


نابترین رفاقت فوتبالی در قائمشهر

گفت و گوا با «عادل یاورزاده»، دوست و همراه همیشگی «محمد مسافری» هوادار محبوب و نابینای نساجی که از ۱۰ سال پیش در سرما و گرما اورا به ورزش شگاه می برد و ویدئوهای گزارش هایش در شبکه های اجتماعی پربازدید می شود



مجدید حسین زاده

روزنامه نگار

پرونده

۱۰ سال پیش، هوادار نابینای تیم نساجی قائمشهر هیچ گاه این تصویر به ذهنش هم خطور نمی کرد که روزی بتواند تمام بازی های تیم محبوبش را از نزدیک و در ورزشگاه دنبال کند. «محمد مسافری» عاشق نساجی و فوتبال بود اما به خاطر نابینایی، امکان حضورش در ورزشگاه وجود نداشت و کسی نبود که مسئولیت بردنش به ورزشگاه خانگی این تیم قائمشهری بر عهده بگیرد. اما یک هم کلاسی، یک رفیق تمام عیار، یک نوجوان با معرفت وقتی این همه عشق و علاقه را دید، تصمیمی گرفت که تا امروز یک دهه پای آن ایستاده و تمجید بسیاری از افراد را به همراه داشته است. «عادل یاورزاده» دوست و همراه همیشگی «محمد مسافری» شد تا این هوادار پرشور اما نابینای نساجی بتواند رفتن به ورزشگاه و تشویق تیمش از نزدیک را تجربه کند. حالا هر زمان وار دور ورزشگاه وطنی بشوید، محمد و عادل را همیشه در کنار هم می بینید. در زمان حضور آن ها در ورزشگاه، عادل همیشه بازی ها را با هیجان و تعصبی خاص برای او گزارش می کند. به تازگی هم، ویدئویی از شادی «محمد» پس از گل برتری این تیم مقابل تراکتور که «عادل» آن را برایش گزارش می کند، در شبکه های اجتماعی پربازدید شده است. در پرونده امروز زندگی سلام با «عادل یاورزاده» درباره ماجرای رفاقت ناب فوتبالی اش با «محمد» گفت و گویی داشتیم که در ادامه خواهید خواند.

به مساوی با استقلال راضی هستیم!

این گفت و گو قبل از بازی حساس استقلال و نساجی در هفته بیست و هشتم لیگ برتر انجام شد. جالب است وقتی به عنوان اولین سوال از «عادل» درباره پیش بینی اش از نتیجه این بازی پرسیدم، به این نکته اشاره کرد که نساجی با مربیگری نکونام بعد از ۲۴ سال به لیگ برتر صعود کرد و بین هواداران نساجی هم محبوب است؛ او ادامه داد: «بازی بسیار سختی خواهد بود ولی خیلی امیدواریم که نساجی به روند خوبش ادامه بدهد و حداقل یک امتیاز از این بازی بگیریم تا خیال مان بابت ماندن در لیگ برتر راحت تر شود. ما چون هفته پیش استقلال خوزستان را بردیم، شرایط مان بهتر شده است. هر چند ما دوست داریم که این بازی را ببریم ولی به مساوی هم راضی هستیم.»



گزارش بازی ها به جز جدایی ناپذیر وجودم تبدیل شده است

از او می پرسم که بعد از ۱۰ سال گزارش بازی ها برای هوادار نابینای نساجی، از این کار خسته نشده که می گوید: «وقتی برای اولین بار با هم در ورزشگاه حاضر شدیم، متوجه شدم محمد شناخت کاملی از زمین بازی دارد و گزارش های کوتاه من حضورش در ورزشگاه را برای او جذاب تر می کند. به همین خاطر تصمیم گرفتم کم کم به جای توضیح صرف لحظه های حساس بازی، کل بازی را برای او گزارش کنم. حالا هم این کار برای من تبدیل به عادت شده و انگار جزء جدایی ناپذیر وجود من است. شاید برای تان جالب باشد اما من بعضی اوقات که تنها به ورزشگاه می روم، خودم برای خودم بازی را گزارش می کنم! این عادت دیگر همیشه همراه من هست حتی اگر محمد در کنار من نباشد.»



در مدرسه با هم آشنا شدیم

از عادل درباره ماجرای آشنایی اش با محمد می پرسم که می گوید: «ما در مدرسه با هم آشنا شدیم. محمد یک برادر دیگر هم دارد که او هم نابیناست و دبیرستان را در مدرسه عادی در سی می خواند. محمد یک سال از من بزرگ تر است. حالا هم حدود ۱۰ سالی می شود که دوست هستیم. او در مدرسه راجع به فوتبال خیلی صحبت می کرد و اطلاعات بسیار زیادی هم داشت. خیلی دوست داشت که به ورزشگاه برود اما خب، شرایطش را نداشت. من یک بار به او پیشنهاد دادم که بیا با هم به ورزشگاه برویم و خیلی استقبال کرد. البته آن اوایل مادرش مخالف بود اما بعد از این که چندبار با هم رفتیم و متوجه شد که من مثل چشم هایم مراقب محمد هستم، قبول کرد.»

پدر بزرگم نابینا بود

از عادل می پرسم که آیا قبل از آشنایی با محمد، اطلاعاتی درباره افراد نابینا و چالش های شان داشته یا نه که می گوید: «بله، من پدر بزرگم نابینا بود و تا حدودی در جریان مشکلات و در درسهای نابینایی بودم. به همین دلیل هم بود که وقتی به پدرم پیشنهاد دادم که می خواهم با محمد به ورزشگاه بروم، استقبال کرد. خودم هم خیلی دوست داشتم که در حد توانم به محمد کمک کنم تا به این آرزویش برسد. اولین بار سال ۹۰ بود که ما با هم به ورزشگاه رفتیم. دقیق یادم است بازی نساجی و فجر سپاسی بود. نساجی در آن بازی موفق شد با نتیجه ۱ - ۰ پیروز شود.»

قرار است خاطرات من و محمد یک کتاب شود

از او درباره ویدئوی پربازدید اخیر شان از لحظه به ثمر رسیدن گل نساجی در بازی با تراکتور می پرسم که می گوید: «محمد کلا یک پسر هیجانی است و در فوتبال، احساساتش را بروز می دهد. خوشحالی اخیر او در بازی با تراکتور که پربازدید شد، مربوط به دقیقه ۷۵ بود که

حافظه فوتبالی اش شوکه ام می کند

«حافظه اش به طرز عجیبی خیلی خوب و قوی است». «عادل» با این مقدمه درباره هوادار نابینای نساجی می گوید: «مثلا زمانی که مشغول گزارش بازی برای او هستم، یکهو می گوید که مثلا در فلان بازی دو فصل پیش هم شبیه هم صحنه پیش آمد و فلان بازیکن توپ را گل کرد یا خراب کرد، درست است؟ یا؟ حواشی و نتایج بازی ها، اطلاعات خیلی زیادی در ذهنش باقی می ماند و گاهی که به من می گوید، شو که می شوم.»

محمد به دنبال شغل و دانشجوی روان شناسی است

«من متولد سال ۷۶ هستم یعنی ۲۷ ساله ام. در کار تاسیساتی مشغول هستم». از او می پرسم که آیا محمد که بارها گفته به دنبال شغل است، مشغول به کار شده یا نه که می گوید: «پیگیر که هست ولی متاسفانه هنوز شغلی پیدا نکرده است. او در حال

بازی صعود نساجی به

لیگ برتر خاطره انگیز ترین بود

از او می پرسم که تا امروز چندتا بازی با محمد به ورزشگاه رفتید و خاطره انگیز ترین شان کدام بازی بوده است که می گوید: «عدد دقیقش از دستم دررفته است ولی تقریبا همه بازی های خانگی نساجی را به ورزشگاه می رویم. برای بازی های خارج از خانه، آن هایی که شرایطش فراهم باشد به خصوص مثل تهران و ... خودمان را به ورزشگاه می رسانیم تا بازی را از نزدیک ببینیم. درباره خاطره انگیز ترین بازی هم، رقابت نساجی با راه آهن بود که منجر به صعود به لیگ برتر شد و ۶ گل زدیم. آن بازی باید گل زیادی می زدیم که آن زمان نکونام، سرمربی ما بود. خیلی پیروزی شیرینی بود. یک جام قهرمانی در حذفی هم با ساکت الهامی بردیم که آن هم فراموش نشدنی است. هر دوی این بازی ها را من و محمد در ورزشگاه بودیم و از نزدیک دیدیم». او درباره تلخ ترین لحظه ای که برای محمد گزارش کرده هم می گوید: «چند فصل پیش، بازی نساجی با اکسین بود که بازی را باختیم و امید صعودمان به لیگ برتر خیلی کم رنگ شد. محمد بعدش با مالک باشگاه تماس گرفت و ناراحتی اش را بر ابراز کرد و مالک هم قول داد که مربی را عوض خواهد کرد که بعدش آقای نکونام به تیم ما آمد و پیروزی های مان شروع شد.»



فریاد بی امان محمد مسافری هوادار روشندل نساجی پس از به ثمر رسیدن گل

نساجی گل زد و آن گل برای بقای مان در لیگ برتر تاثیر زیادی داشت. این را هم بگویم که ما قرار است که یک کتاب هم بنویسیم درباره خاطرات مان از ورزشگاه رفتن و البته بیشتر اطلاعات بر اساس چیز هایی است که محمد خیلی خوب و با جزئیات در حافظه اش دارد.»

همه صحنه های بازی ها را گزارش می کنم

از عادل می پرسم که آیا همه ۹۰ دقیقه را برای محمد گزارش می کند که این طور پاسخ می دهد: «من تقریبا همه صحنه های بازی را برای محمد گزارش می کنم، نه این که فقط موقعیت های حساس را برای او توصیف کنم. اما وقتی نساجی گل می خورد، گاهی ۲ یا ۳ دقیقه حس و حالش را ندارم و دیگر نمی توانم گزارش کنم. البته این طوری هم نیست که تمام ۹۰ دقیقه را برای محمد گزارش کنم ولی نمی گذارم او از هیچ موقعیت و اتفاقی در بازی بی خبر بماند. تلاشم این است. این را هم بگویم که گزارش بازی برای من سخت نیست اما ورود مان به ورزشگاه، گاهی با مشکلات زیادی همراه می شود. البته برادران یگان ویژه همراهی می کنند اما مشکل اصلی ما به خصوص وقتی ورزشگاه شلوغ است، برای ورود به ورزشگاه و پیدا کردن جای مناسب برای نشستن است.»

محمد به دنبال شغل و دانشجوی روان شناسی است

حاضر دانشجوی رشته روان شناسی است. البته خیلی درباره مشکلاتش با من صحبت نمی کند چون شاید کلاپرسی نیست که به دنبال غرزدن باشد اما الان مهم ترین دغدغه اش، اشتغال است که با توجه به شرایطش، هنوز جایی پیدا نشده است.»

نگاه ترجم آمیز به محمد ندارم

از او درباره واکنش مردم به رفاقتش با هوادار نابینای نساجی می پرسم که می گوید: «مردم خیلی به من لطف دارند. مثلا می گویند معنای دیگری به رفاقت بخشیدم و یک دوست خوب باید مثل من باشد و ... من تمام تلاشم این است که نگاه ترجم آمیز به محمد نداشته باشم و به عنوان یک رفیق به او نگاه کنم. البته محمد هم همیشه به من لطف دارد. مثلا به تازگی، عباس قانع برای گزارش یک بازی برای محمد به ورزشگاه آمد که ویدئوهای آن هم در شبکه های اجتماعی پربازدید شد. بنده خدا، ۹۰ دقیقه بازی را برای محمد به همان شیوه خاص و پر هیجان و احساسی خودش گزارش کرد ولی محمد بعدش به من گفت که من فقط گزارش های تورا دوست دارم.»

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان رضوی

یک شنبه • ۶ خرداد ۱۴۰۳
۱۷ دی القعه ۱۴۴۵ • ۲۶ می ۲۰۲۴

شماره ۲۱۴۹۹

۲۷۱۸

در زندگی سلام امروز بخوانیم:

۲

چه پوستی؟ چه ضد آفتابی؟

عاقبت بی توجهی والدین

به هشدار «ایلان ماسک»

مدیر شبکه اجتماعی ایکس در اظهار نظری جنجالی گفت که از والدین می خواهم مقدار استفاده کودکان از شبکه های اجتماعی را محدود کنند؛ چرا باید این هشدار را جدی گرفت؟

نتایج جامع ترین تحقیق درباره

تاثیرات کم خوابی بر احساسات

۳

طنز | سعدیا، جواد نکونام نیاز د هرگز

صبر محمد در پیاده روی اربعین

برایم درس آموز بود



از او می پرسم که آیا با محمد به جز ورزشگاه به جاهای دیگر مثل سینما، پارک یا سفر هم رفته اند یا نه که می گوید: «ما با هم فقط به ورزشگاه می رویم و گاهی هم تلفنی صحبت می کنیم. البته یک بار هم با

هم به پیاده روی اربعین رفتیم که سفر بسیار خاص و معنوی بود. این سفرم یکی از جذاب ترین سفر های ما بود. محمد خیلی دوست داشت در این سفر همراه من باشد. البته حقیقتش این است که بدون او این سفر برای من هم دلچسب نبود بنابراین با هم بار و بنه بستیم و راهی کربلا شدیم و یکی از بهترین خاطرات عمر مان رقم خورد. صبر و همراهی او برای من در این سفر، شگفت انگیز و درس آموز بود.»

«قلعه نویی» برای محمد

جشن تولد گرفت

از عادل می پرسم که بازیکن یا مربی خاصی در فوتبال کشور مان هست که بیشتر از بقیه هوای شان را داشته باشد که می گوید: «بازیکن های زیادی بودند که به من و محمد لطف داشتند. یکبار علی علیپور آن زمانی که در پرسپولیس بود، از من و محمد دعوت کرد که برای یکی از بازی های آسیایی پرسپولیس به ورزشگاه برویم و خیلی خوشحال شدیم. چند وقت پیش هم آقای قلعه نویی دعوت مان کرد که با محمد برای تماشای یکی از بازی های تیم ملی به ورزشگاه برویم. همان روز ها، تولد محمد بود و مربی تیم ملی هم که خیلی نسبت به او لطف دار، گفته بود که بیاید و برایش در حاشیه تمرین با حضور ملی پوشان جشن تولد بگیریم.»



عشق به نساجی

نقطه اشتراک من و محمد شد

او یک خاطره هم از محمد دارد، از روزی که او باعث دلخوری هواداران نساجی شده بود؛ عادل می گوید: «طرفدار های نساجی با تیم خونه به خونه بابل، رقیب هستند. یک بار محمد رفته بود برای تماشای بازی تیم بابل که برایش بین هوادار ها حاشیه هایی ایجاد شد. اوسعی داشت که هوادار های این دو تیم را با هم آشتی بدهد که نشد و هوادار های نساجی از او دلخور شدند که چرا محمد که سمبل نساجی است به ورزشگاه رقیب رفته است. البته این تیم الان منحل شده است. با این حال و هر چه که بود، عشق به نساجی نقطه اشتراک من و محمد شد و باعث شد تا در سرما و گرما کنار هم باشیم و برای حمایت از تیم شهر مان به ورزشگاه برویم. من و محمد با هم مثل برادر هستیم و همیشه سعی کردیم در کنار هم باشیم.»

